

## رویکرد تعاملی سطوح و مقیاس طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی\*

سید مسلم سید الحسینی\*\*  
فرح حبیب\*\*\*  
حمید ماجدی\*\*\*\*

### چکیده

ارتقای کیفیت محیط شهری از دغدغه‌های اصلی شهرسازی و هدف اصلی تمام طرح‌های توسعه شهری است. در ارزیابی و تجارب حاصل از اجرای طرح‌های توسعه شهری در جهان و به ویژه کشور ما این موضوع اثبات شده است که این طرح‌ها در خلق محیط شهری واجد کیفیت، توفیق کمی داشته‌اند. با این ضرورت در سال‌های اخیر، اندیشمندان مختلف شهرسازی، از حضور تفکر کیفیت‌گرای خاص طراحی شهری، در تمام مقیاس‌های [کلان و خرد] طرح‌های توسعه شهری برای ایجاد محیط واجد کیفیت حمایت کرده‌اند. این مقاله با روش مطالعه تطبیقی و تحلیل محتوای متون و مفاهیم مؤثر در تحول طراحی شهری و مقایسه آن با گرایش‌ها و گونه‌های مختلف طراحی شهری در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی و با استفاده از تجربیات پیشین با تلفیق فرآیند طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری، و با هدف ساخت تصویری از یک رویکرد نوین و امیدبخش برای کاربست عملی طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری به منظور ارتقای کیفیت محیط شهری شکل گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد طراحی شهری در حوزه کلان مقیاس دارای تولیدات کاربردی است که می‌تواند به ارتقای کیفیت محیط کمک کند. تحقق عملی این رویکرد بسته به پذیرش و رعایت پنج مؤلفه ذیل است: الف. حضور اهداف طراحی شهری در طیف مقیاس برنامه‌ریزی، ب. پیوند حرف و همکاری تخصص‌های مختلف در موضوعات طراحی شهری، ج. مشارکت‌پذیری عمومی در طراحی، د. وجود سطوح و سلسله مراتب مقیاس طراحی شهری، ه. پشتیبانی از موضوعات طراحی شهری. نتایج این مقاله نشانگر تعامل بین طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری در مقیاس کلان و خرد به عنوان یک ضرورت در نظام توسعه شهری است و کاربست مؤلفه‌های فوق تضمینی برای عملی کردن این رویکرد و کارآمدی طرح‌های توسعه شهری است.

### واژگان کلیدی

ارزیابی، کیفیت محیط، تعامل مقیاس کلان و خرد، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری.

\*. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول، با عنوان «ارزیابی طرح‌های توسعه شهری در ایران - برنامه‌ریزی طراحی محور رویکردی تعاملی در مقیاس کلان و خرد» است که به راهنمایی دکتر «فرح حبیب» و مشاوره دکتر «حمید ماجدی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.  
\*\*. دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. ایران. نویسنده مسئول : ۰۹۱۵۵۲۸۴۹۲۲ smh\_arc@yahoo.com  
\*\*\*. دکتری شهرسازی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. ایران. f\_habib@srbiau.ac.ir  
\*\*\*\*. دکتری معماری و شهرسازی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران. ایران. majedi\_h@yahoo.com

## مقدمه

ارزیابی موضوع و تجارب حاصل از اجرای طرح‌های توسعه شهری در جهان و به ویژه کشور ما ایران و تحقیقات انجام شده در این زمینه در چند دهه گذشته و نتایج عینی و ملموس آن نشان می‌دهد که طرح‌های توسعه شهری در کشور ما، از پاسخگویی به نیازهای کیفی در محیط‌های شهری بازمانده‌اند و عملاً به نتایج قابل قبولی به ویژه در ابعاد کیفی محیط‌های شهری، دست نیافته‌اند [مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۹: ۴۶]. همچنین این ادعا وجود دارد تجربه اجرای طرح‌های توسعه شهری در ایران چه در بافت‌های موجود، که در قالب برنامه‌های جامع صورت پذیرفته و چه در بافت‌های توسعه جدید، در قالب برنامه‌هایی نظیر شهرهای جدید و پروژه‌های آماده‌سازی، نشان داده است که برنامه‌های مذکور در خلق محیط شهری واجد کیفیت مطلوب با توفیق چندان روبه‌رو نبوده است [گلکار، ۱۳۷۹: ۳۹]. این امر ممکن است ناشی از عوامل متعددی در نظام شهرسازی کشور باشد که بخشی از آن در ماهیت و محتوای طرح‌های توسعه شهری و رویکردهای پیشین شهرسازی بوده و بخشی دیگر در مکانیسم تهیه، بررسی، تصویب و اجرای این طرح‌ها و عدم ایجاد فرایند مستمر پس از تصویب قرار دارند. اگر چه در دهه اخیر طرح‌های متعددی توسط شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی، تحت عنوان پروژه‌های طراحی شهری به منظور جبران کیفیت‌های از دست رفته برای محیط‌های شهری تهیه شده‌اند، اما به دلیل اینکه ملاحظات طراحان در کشور ما در سطوح خرد محلی مورد عمل قرار می‌گیرد و نظام برنامه‌ریزی و طراحی جدا از یکدیگر هستند [عباس‌زادگان و رضوی، ۱۳۸۵: ۱۷]، طبعاً ابعاد کیفی محیط شهری در مقیاس کلان کمتر مورد توجه قرار گرفته و سیاست‌های هماهنگ و مکانیزم‌های کنترل مؤثر برای مشکلات مرتبط با ایجاد فضاهای شهری و شکل کالبدی شهر وجود ندارند.

با این حال اگر چنانچه همچون طرح‌های قبلی به مسئله کیفیت محیط شهری در مراحل و مقیاس‌های مختلف طرح‌های توسعه شهری توجه لازم صورت نگیرد، هیچ‌گونه ضمانتی برای تحقق "محیط با کیفیت شهری" و "توسعه پایدار" وجود نخواهد داشت. با این ضرورت، "تدوین برنامه توسعه شهر" نیازمند انعکاس کیفیت‌های محیطی و کالبدی است و این ارزش‌ها باید در سازماندهی کالبدی و عملکردی شهر نقش ساختاری داشته باشند و معیارهای کنترل در جهت حفظ ارتقاء و بهره‌برداری از آنها سیاست‌گذاری شود [ذکاوت، ۱۳۷۹: ۱۱].

موضوع اصلی این مقاله پس از مرور بحث چگونگی حضور طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی و دستاوردهای حاصل و از بررسی مفاهیم نظری مقیاس‌های طراحی شهری، رسیدن به یک چارچوب مورد قبول و درک عمیق‌تر در جهت کاربرد عملی ابزارهای طراحی شهری در ایران است. در این زمینه به نظر می‌رسد دستیابی به

توافق در مفاهیم و برداشت‌های یکسان از مقیاس‌های طراحی در برنامه‌ریزی ضروری است. لذا این پژوهش با اتکای به این مفروضه اصلی، مبنی بر ضرورت توجه به رویکرد طراحی شهری در برنامه‌ریزی صورت پذیرفته است به طوری که با تمایلات، شرایط و تأثیرات مختلف شهری هماهنگی لازم را داشته باشد. در نتیجه پرسش اصلی این است که چه مؤلفه‌هایی زمینه عملی شدن و تحقق یک دیدگاه تلفیقی برنامه‌ریزی و طراحی شهری را در مدیریت توسعه و سیاست‌گذاری شهر فراهم می‌آورد و باید بیشتر به آن توجه کرد. اهمیت این موضوع برای افزایش درک مدیریت شهری در کاربست عملی طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه شهری مهم است. این مقاله، به عدم توافق بر سر یک تعریف مشخص از جایگاه و نقش مناسب طراحی شهری در نوشته‌های علمی به منظور کاربرد عملی آن در حرفه می‌پردازد. سپس با بررسی نوشته‌های طراحی شهری و تجزیه و تحلیل این موضوع، با هدف دستیابی به چگونگی عمل طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی، تعریف جدیدی تحت عنوان "رویکرد تعاملی طراحی شهری در سطوح و مقیاس مختلف" ارائه داده و نهایتاً به معرفی مؤلفه‌های این رویکرد و ارائه پیشنهادهایی جهت درک مناسب‌تری از کاربرد عملی آن در نظام طرح‌های توسعه شهری ایران می‌پردازد.

اگرچه مفاهیم ابعاد محتوایی و رویه‌ای طراحی شهری هنوز دارای ابهاماتی در عرصه حرفه‌ای است [Lang, 2005] و در بررسی‌هایی که در ایران در حوزه دانش طراحی شهری انجام شده مشخص می‌شود که هنوز تعریف مشترک و پایه‌ای حتی در میان اهل حرفه از طراحی شهری وجود ندارد، و ممکن است این گونه به نظر رسد که این مسئله می‌تواند تدوین چگونگی حضور طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی را با پیچیدگی‌ها و ابهاماتی رو به رو سازد، اما به نظر نگارندگان این مسئله ماهیتا مانعی در بررسی و ارائه یک پیشنهاد برای فراهم‌سازی چارچوبی کاربردی از کیفیت‌های طراحی شهری و شناسایی مؤلفه‌های کاربست عملی طراحی شهری در تهیه طرح‌های توسعه شهری نخواهد بود و وظیفه این مقاله آغازی برای گفتگو در این باب است.

## روش تحقیق

روش تحقیق، تطبیقی-تحلیلی است و برای دستیابی به ادبیات نظری موضوع، مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. روش شناسی این مقاله مبتنی بر تطبیق و تحلیل محتوای متون است، که با بررسی دیدگاه‌های مؤثر در تحول طراحی شهری و مقایسه گرایش‌ها و سطوح مختلف طراحی شهری به شناسایی مؤلفه‌های اصلی، جهت اتخاذ رویکرد مناسب و یکپارچه طراحی و برنامه‌ریزی برای هدایت مناسب توسعه کیفی شهر می‌پردازد. اگرچه طراحی شهری در مقیاس‌های متفاوت تولیدات مختلف دارد، ولی این تحقیق بر جنبه سیاست‌گذاری طراحی شهری در برنامه‌ریزی

تأکید دارد.

## مرور ادبیات موضوع

### • طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی

موضوع لزوم توجه به مباحث کیفی و طراحی شهری در نظام برنامه‌ریزی که امروزه جامعه حرفه‌ای ما به آن تأکید می‌ورزد در دنیای غرب حاصل تغییر و تحول تدریجی است که به نظر «کالینگ ورت»<sup>۱</sup> طی سه مرحله رخ داده است: "در طول دهه ۱۹۶۰، موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخگویی به مسایل و پروژه‌های مشخصی مطرح شد. در طول دهه ۱۹۷۰، اهداف طراحی شهری در ضمن سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی گنجانده شد و در طول دهه ۱۹۸۰، ملاحظات طراحی شده به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه‌ریزی مورد پذیرش قرار گرفت" [عباس‌زادگان و رضوی، ۱۳۸۵: ۱۷].

همچنین با بهره‌گیری از جریان و نظریاتی که بر ارتباط برنامه‌ریزی و طراحی شهری تأثیرگذار بودند. "منشور آتن"، "باغ‌شهرها"، "جنش شهر زیبا"، "رشد هوشمند"، "نوشهرگرایی"، "توسعه پایدار"، "پست مدرن"، "جامعه مدنی" و طی نمودن سه مرحله تحول فوق، تدوین فرایندی الزامی شد که نتایج اقدامات برنامه‌ریزی و طراحی شهری را به یکدیگر نزدیک کرده و محیط را مطلوب فراهم آورد [همان]. از دیدگاه عملی نیز سه موضوع در این دهه باعث این تغییر رویکرد شده است:

۱. تجربیاتی که از مطالعه محتوای فصل‌های مستقل طراحی شهری و مباحث مطروحه این رشته در طرح‌های توسعه، ساختاری و جامع بدست آمده است.
۲. تجربیاتی که از همکاری برنامه‌ریزان، مهندسان ترافیک و سایر رشته‌ها در پروژه‌های ساماندهی بافت‌های قدیم و میانی، پروژه‌های طراحی شهری و مطالعات یا پروژه‌های طراحی فضاهای شهری کسب شده است.
۳. تجربیاتی که از تحقیقات، مطالعات و طرح‌های جامع بخشی (یا موضوعی مانند ترافیک، محیط زیست و غیره) به دست آمده است [پاکزاد، ۱۳۸۶: ۷۰].

همچنین مطالعات موضوعی و یا نظریه‌های مطرح بسیاری در قالب کتب و مقالات تأثیر زیادی بر ضرورت پرداخت به مسایل کیفی گذاردند: ۱. کتاب کلاسیک «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا» توسط «جین جیکوبز» در سال ۱۹۶۱ میلادی، ۲. گزارش «ولف وشین» تحت عنوان «طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی طرح جامع» در سال ۱۹۷۰، ۳. کتاب «تئوری شکل خوب شهر» توسط «کوبین لینچ» در سال ۱۹۸۱ میلادی، ۴. مجموعه پیشنهادی «یان بنتلی و همکارانش» در کتابی تحت عنوان «محیط‌های پاسخده»، ۵. «راجر ترانسیک» با انتشار کتاب «یافتن فضای گمشده» در سال ۱۹۸۶، ۶. مقاله «تئوری و عمل طراحی شهری معاصر» توسط «مایکل ساوت ورت» و ۷. شهرهای پایدار توسط «هاتن وهاتنز» در سال ۱۹۹۴،

۸. پژوهش‌های «جان پاتر و متیو کرمونا» در کتابی با عنوان «بعد طراحی برنامه‌ریزی» در سال ۱۹۹۷، ۹. کتاب «به کمک طراحی» توسط دیپارتمان محیط زیست، حمل و نقل و مناطق انگلستان» در سال ۲۰۰۰، ۱۰. کتاب «اسناد هدایت طراحی شهری» توسط «رابرت کوان» در سال ۲۰۰۲، ۱۱. انتشار کتاب «مکان‌های عمومی، فضاهای شهری» در سال ۲۰۰۳ توسط «کرمونا».

### • کیفیت محیط شهری مقصد فرایند طراحی شهری

ارایه تعریف از طراحی شهری ممکن است امری آسان به نظر برسد، و در عمل نیز تعداد تعاریفی که از طراحی شهری شده تقریباً به اندازه تعداد طراحان شهری است. این کثرت تعریف نوعی سردرگمی و ابهام را در حوزه نقش و وظایف طراحی شهری ایجاد کرده است. بررسی تعاریف طراحی شهری طی ۴ دهه گذشته نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه روزافزون صاحب‌نظران متأخر به ارایه تعاریف کل‌گرایانه و جامع-در قبال تعاریف بخشی و جزءگرایانه دوران متقدم- هنوز تعریف واحدی ارایه نشده است که به اتفاق آرای مورد پذیرش اهل حرفه قرار داشته باشد [کلکار، ۱۳۸۷: ب ۴۷] لذا بسیاری از صاحب‌نظران شهرسازی خواستار تلاش برای رفع ابهام از مفهوم طراحی شهری شده‌اند و به همین منظور برای فهم بهتر از طراحی شهری در فرایند برنامه‌ریزی، مطالعه و بررسی مجموعه تفکرات، اعتقادات و برداشت‌هایی که بسیاری از اندیشمندان برای مفهوم طراحی شهری ارایه داده‌اند، کاری مفید و هوشمندانه است. مطابق نظر اسکروچ [Schurch, 1999] مباحث قابل ملاحظه‌ای در خصوص واژه «طراحی شهری» وجود دارد.

سابقه این امر به مراحل جنینی طراحی شهری برمی‌گردد، اگر چه طراحی شهری به عنوان حوزه مستقلی بین دو حرفه معماری و برنامه‌ریزی همواره مورد مناقشه بوده است. [Varkki, 1997; Schurch, 1999; Kreditor, 1990]. اما در حد میانی این دو حوزه به دلیل بحث و جدل زیاد همواره مدعی بوده است که مشکلات و نقص‌های کالبدی محیط را با راه حل‌های طراحی برطرف می‌کند.

در اکثر این تعاریف، طراحی شهری را پلی می‌انگارند که فاصله میان شهرسازی و معماری را درنوردیده است. تعریفی که اغلب برای طراحی شهری به کار می‌رود، به شکل کالبدی قلمرو عمومی در حوزه کالبدی محدودی از شهر توجه دارد و از این رو بین دو مقیاس کاملاً تثبیت‌شده از طراحی قرار می‌گیرد؛ یکی معماری که به شکل کالبدی قلمرو خصوصی ساختمان منفرد می‌پردازد و دیگری برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای که سازمان قلمرو عمومی را در زمینه‌ای گسترده‌تر مدنظر دارد [مهدوی، ۱۳۸۱: ۶]. از طرف دیگر افرادی مثل «جان لنگ» معتقدند: طراحی شهری، تلاشی مشارکتی است بین بخش‌های خصوصی و عمومی، بین حرفه‌ها و متخصصان حرفه‌ای و پژوهشگران که با جهان چهار بعدی

شهری و با محور قراردادن مشترکات تعاریف از یک سو و با محور قراردادن کیفیات اصلی طراحی شهری از سوی دیگر، اکثر طراحان شهری متأخر در دیدگاه‌های خود به "ارتقای کیفیت محیط" به عنوان مقصد فرآیند طراحی شهری می‌نگرند، در واقع طراحی شهری با مفهوم کیفیت محیط ترکیب شده و مفهوم کیفیت محیط اساس و بنیاد طراحی شهری را تشکیل می‌دهد.

### نگاه نظری و عملی اندیشمندان به طراحی شهری کیفیت‌گرا در فرآیند برنامه‌ریزی

طراحی شهری دانشی نسبتاً جدید بوده، در نتیجه نوشته‌ها و تحلیل‌های مربوط به آن، ظرف ۴۰ تا ۵۰ سال گذشته صورت گرفته است. سن فرانسیسکو به عنوان نخستین شهری شناخته می‌شود که به نحوی گسترده نسبت به تدوین و اجرای سیاست‌های طراحی شهری از سال ۱۹۷۱ اقدام کرده است [Punter, 1999: 106].

گزارش «آر. دی. شین» و «ام. آر. ولف» تحت عنوان «طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی طرح جامع» توسط «وزارت مسکن و توسعه شهری امریکا» در ۱۹۷۰ در تلاش برای پاسخ به بسیاری از ابهامات منتشر شد. آنان در ابتدای گزارش بر این امر تأکید داشتند که «عنصر طراحی شهری» یک مبحث مهم در فرآیند برنامه‌ریزی است؛ اما ماهیت، حوزه و نقش آن تا حد زیادی مبهم است [Wolfe & Sheinn, 1970: 2]. ولف و شین از پیشگامان کمک به درک نظری طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی بوده و معتقدند بیشترین ابهام مربوط به نقش خاص طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی است. مؤلفان طی این پژوهش دریافته‌اند که طراحی شهری از فرآیند برنامه‌ریزی جدایی‌ناپذیر است [Ibid]. کتاب «حمید شیروانی» تحت عنوان «بازبینی طراحی شهری: راهنمایی برای برنامه‌ریزان» در تلاش برای پاسخ به بسیاری از سؤالات مهم در حوزه طراحی شهری منتشر شد. اهداف نویسنده روشن ساختن کارآیی رویه‌های بازبینی طراحی، بررسی رابطه بین بازبینی طراحی و ملاحظات محیطی و گرفتن نتایجی در مورد روش‌هایی است که در آن مدل‌های بازبینی طراحی مختلف می‌توانند در موقعیت‌های محیطی مختلف به کار گرفته شوند [Shirvani, 1981: 17].

در یک پژوهش «ریکو هاب» با مطالعه سیاست‌های طراحی و رویه‌های مربوط به طرح‌های توسعه شهری ۶۶ شهر آمریکایی به بررسی کارآمدی آنچه او «کنترل طراحی» می‌نامید با رویکردی خاص اقدام کرد. این بررسی توسط هاب برای کارآمدی کنترل‌های طراحی در جستجوی ارزیابی "میزان موفقیت بین مفاهیم طراحی و تعبیر آن به سیاست‌های عملیاتی، ضوابط طراحی و استانداردهای منتج از آن" و "شفافیت، قابل پیش‌بینی بودن، قابلیت انعطاف و تحقق‌پذیری این مفاهیم" در عمل انجام گرفت [Habe, 1989: 199]. مطالعه هاب کمک عمده‌ای به

سکونت‌گاه‌ها سر و کار دارند [لنگ، ۱۳۸۷: ۳۷]. «اپلیارد» می‌گوید تعریف و استنباط از طراحی شهری به عنوان یک رشته خاص وجود نداشته یا نباید داشته باشد [Appelyard, 1982: 122]. با در نظر گرفتن این عدم شفافیت در تعاریف است که آکن کردیتور [Kreditor, 1990: 64] و «جورج وارکی» به نتیجه‌ای مشابه مبنی بر نبود توافق مشترک در مباحث مربوطه در متون طراحی شهری رسیده‌اند. وارکی نیاز به شفافیت و توجه بیشتر نقش طراحی شهری و ضرورت کاربرد عملی آن را بیان کرده است. وی بیشتر طرفدار یک تعریف عملی از طراحی شهری بوده است. وارکی از نویسندگانی چون «جاناتان بارنت» که "طراحی شهری را بدون طراحی ساختمان‌ها" نام برده‌اند، انتقاد کرده و این گونه تعاریف را که کاربرد کمی در توصیف تاکتیک‌های واقعی مورد استفاده طراحان شهری معاصر داشته، گنگ خوانده است [Varkki, 1997]. در همین راستا وارکی نیز نبود تعریف روشن و مرتبط با دانش عملی و فعالیت طراحی شهری را مطرح می‌کند. بدین ترتیب است که وی در مورد یک تعریف عملی طراحی شهری بحث می‌کند. وارکی می‌گوید: «طراحان شهری یک فضای تصمیم‌گیری ایجاد می‌کنند تا طراحان بر اساس آن محیط مصنوع را طراحی کنند [Ibid].

بنابراین نقش و فعالیت‌های طراحان شهری متفاوت با طراحان دیگر است. وارکی نقش طراحان شهری و تفاوت مفهوم طراحی را با سایر رشته‌ها مثل معماری بیان می‌کند. او طراحی شهری را به عنوان یک تلاش "مرتب دوم طراحی" شرح می‌دهد سایر تعاریف در ایران نیز به شرح ذیل است:

• کوروش گلکار: طراحی شهری فعالیتی است میان‌رشته‌ای و گروهی که توأمان دربرگیرنده فرآیند مسئله‌گشایی و راه‌حلی‌هایی (فرآورده‌هایی) است که هدفشان سازمان‌بخشی کالبدی عرصه عمومی شهر به نحوی است که موجب ارتقای کیفیات عملکردی، زیست محیطی و تجربه زیباشناختی مکان‌های شهری شود [گلکار، ۱۳۸۷: ۵۰].

• جهان‌شاه پاکزاد: در هر سطحی از محیط زندگی که نیازمند توجه به مسایل کیفی باشد طراحی شهری می‌تواند و باید مشارکت داشته باشد. خواه جزئی کوچک از یک فضای شهری باشد، خواه تصمیم‌گیری و تهیه چشم‌انداز ملی. ولی طراح شهری نباید فراموش کند که حیطه تخصص وی کدام است و به آن قانع باشد.

• کامران ذکاوت: طراحی شهری به عنوان یک دانش چندتخصصی دارای حضوری فعال در کلیه زمینه‌های اجتماعی و محیطی بوده که با کیفیت محیط زیست انسان سر و کار دارد و دامنه فعالیت آن از سطح شهر و فراشهر تا سطح طراحی فضای شهری است.

در کنار اختلاف آرای محققان در خصوص تعریف طراحی

بر کیفیت محیط در سایر مقیاس‌ها دارد. از این رو این تأثیرات محتمل، نیاز به ملاحظات و تحلیل‌های با دقت دارند. به همین دلیل شهرسازان و طراحان مقیاس‌های متفاوتی محصولات طراحی شهری در ادبیات موضوع مطرح، و محیط شهری مطلوب را تنها محصول نظام‌های جامع و چندسطحی از هدایت و کنترل توسعه قلمداد کردند که بر سه پایه زیر بنا می‌شود:

چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی؛ فرایندهای تصمیم‌سازی دموکراتیک و کیفیت‌گرا فرایندهای تصمیم‌سازی دموکراتیک و کیفیت‌گرا؛ فراگیر بودن (به مفهوم پوشش بر کلیه سطوح پنج‌گانه منطقه شهری، کل شهر، ناحیه، سایت‌ها و فضاهای شهری و منظر شهری [گلکار، ۱۳۸۷ الف: ۵۷].

«مدنی‌پور» در مطالعات خود به سه سطح استراتژی‌ها<sup>۳</sup> (برای مقیاس کلان)، سیاست‌ها<sup>۴</sup> (مقیاس میانی) و دستورهای طراحی شهری<sup>۵</sup> [مقیاس خرد] معتقد است. همچنین شیروانی [Shirvani, 1985] نیز به اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهنمای طراحی شهری به عنوان انواع گونه‌های تولید طراحی شهری در مقیاس‌های سه‌گانه اشاره کرده است. در تبیین این طیف متنوع از نظرات طراحان شهری در خصوص مقیاس و مفاهیم، کرمونا، هیث و تیزدل [Carmona; Heath, Tiesdell, 2003] در نقد این تفاوت مفهومی - عملیاتی ابعاد محتوایی و رویه‌ای در حوزه طراحی شهری و همچنین مقیاس طراحی به پایه‌های نظری طراحان اشاره کرده‌اند. آنها معتقدند دو گرایش معمار - طراح شهری و برنامه‌ریز - طراح شهری وجود دارد. بنابراین با توجه به پایه‌های نظری و گرایش‌های عملی این دو گروه از طراحان شهری، نوع مواجهه آنها با موضوعات و مقیاس‌های مکانی و ابعاد محتوایی و رویه‌ای در طراحی شهری متفاوت است [تفهیمی، ۱۳۸۸: ۴]. به بیانی دیگر، گونه‌شناسی در طبقه‌بندی حیطه‌های دخالت و تأثیر ابعاد محتوایی و رویه‌ای طراحی شهری در بین محققان و طراحان شهری متفاوت است. به عنوان مثال ال دوری [Al-Douri, 2006] در طبقه‌بندی طرح‌های توسعه شهری سه سطح از اسناد طراحی شهری را معرفی می‌کند: گروه اول، ملاحظات طراحی شهری<sup>۶</sup> (ارزشی) و یا ابعاد محتوایی که بیانگر اهداف کلان هستند و معمولاً در طرح‌های راهبردی و طرح‌های ساختاری این اسناد تدوین می‌شوند. این اسناد نقش تعیین‌کننده در حل چالش‌ها و اختلافات کلان رویکردی در شهر دارند. گروه دوم، سیاست‌های طراحی شهری هستند که تشویق‌کننده اهداف و روشن‌کننده مسیرها و فرایند دستیابی به اهداف در طرح‌های توسعه شهری هستند. سیاست‌های مؤثر طراحی شهری بر این نکات تأکید دارند که در محیط‌های متفاوت چگونه می‌توان به اهداف طراحی شهری دست یافت. گروه سوم، راهنماهای طراحی شهری<sup>۷</sup> هستند که برای طرح‌های توسعه شهری تهیه می‌شوند. این گروه از اسناد دربرگیرنده جنبه‌ها و ترکیب‌های طراحی شهری هستند که به سیاست‌ها جنبه‌های عملی می‌بخشند. این

آغاز بحث در باب سیاست طراحی شهری و کنترل طراحی کرد. برخلاف پژوهش شیروانی، هاب تأکید بر عملی کردن و کاربست مفاهیم طراحی داشت و به دنبال پیوند بین تفسیر سیاست‌ها با نتایج حاصله از آن بود. وی از کارآمدی سیاست‌های موجود طراحی شهری در چارچوب "شفافیت بیان، قابلیت پیش‌بینی، قابلیت انعطاف و قابلیت اجرا" برای کاربست مفاهیم انتقاد می‌کرد. بحث هاب برای تدوین سیاست‌های خوب طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی با توجه به معیارهای مطرح شده از سوی وی حائز اهمیت است.

با توجه به دگرگونی‌هایی که طی سه دهه اخیر در خصوص دانش طراحی رخ داده است، توجهات سنتی این دانش از ابعاد صرفاً کالبدی به سمت زمینه‌های انسانی و عملکردی تعمیم داده شده است. بر این اساس، جان پانتر (۱۹۹۷) در محتوای پایگاه نظری دانش طراحی شهری، مؤلفه‌های حس مکان و هویت را در محیط به سه بعد فعالیت، معنی و کالبد مربوط می‌داند. در همین سال «متیو کرمونا» موضوعات کیفی قابل توجه در ساختار طراحی را در چارچوب طراحی شهری در هشت موضوع طبقه‌بندی می‌کند و ادعا می‌کند که در عمل هنوز میان دو حیطه برنامه‌ریزی و طراحی شهری فاصله وجود دارد و رویکردی میانی طلب می‌شود [Carmona, 1997].

در سال ۱۹۹۷، جان پانتر و متیو کرمونا تحلیلی مفصل و جامع از سیاست طراحی شهری را به طور مشترک به نگارش درآوردند. کتاب آنها «ابعاد طراحانه برنامه‌ریزی» یک اثر کلیدی در درک سابقه، فعالیت، اجرا و ارزیابی سیاست طراحی شهری شد. این کتاب به طور عمیق به بررسی ماهیت، فرایندها و روش‌شناسی سیاست طراحی شهری می‌پردازد. در فاصله کوتاهی بعد از آن، در ۱۹۹۹ جان پانتر نیز یک کتاب تحت عنوان «راهکارهای طراحی در شهرهای آمریکا: بازبینی سیاست‌های طراحی و راهنمایی» بر پنج شهر ساحلی غربی را نوشت که تا حد زیادی یک ترکیب از تحقیق فشرده پانتر در خصوص خلاقیت‌ها و سیاست‌های طراحی است. یافته‌های پانتر در این پژوهش برای یک نظام مطلوب توسعه‌ای شهر و کارآمد این است که در این نظام "تلفیق کامل طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری، به طور یکپارچه و نظام‌مند و شفاف مبتنی بر دموکراسی و عمل‌گرا صورت می‌پذیرد" [Punter, 1999: 195].

### مقایسه مفاهیم نظری مقیاس در طراحی شهری

در ادبیات جدید شهرسازی بر این موضوع تأکید شده که موضوع طراحی شهری در تمام مقیاس‌های نظام برنامه‌ریزی مطرح و دارای محصولات متفاوت محتوایی و رویه‌ای است. مداخلات مدیریتی در ارتقای کیفیت محیط شهری تأثیرات خود را در مقیاس‌های مختلف اعمال می‌کند. تصمیم‌های مدیریتی در یک مقیاس، معمولاً تأثیرات نامشخص و غیر قابل پیش‌بینی

که یک باور جمعی در چندسطحی بودن اقدامات طراحی شهری وجود دارد (جدول ۱).

با وجود تفاوت در گرایش‌ها، گونه‌شناسی و نوع طراحان، عمل طراحی شهری بیانگر دو مقیاس پیوسته اما مستقل در طراحی است.

مقیاس کلان: ابعاد محتوایی است. این ابعاد، ملاحظات ارزشی طراحی شهری بوده که به دنبال حصول به کیفیاتی هستند و رسالت و ذات وظیفه طراحی شهری را تشکیل می‌دهد و بایستی توسط طراحان در محیط، ترجمان فضایی پیدا کند. مقیاس خرد (طرح ریز): این ابعاد است. ابعاد رویه‌ای فرایندی هستند که برنامه‌ریزان و طراحان به کار می‌برند تا بتوانند به اهداف محتوایی در محیط شهری جامه عمل ببوشانند. این رویه‌ها فرم‌هایی برای نشان دادن ساخت و عملکرد شهر به حساب می‌آیند.

### جمع‌بندی بحث، تعریف رویکرد تعاملی طراحی شهری و مؤلفه‌های اصلی کاربست آن

ورای اختلاف نظرات اندیشمندان در خصوص مفهوم طراحی شهری، از مقایسه مجموعه تعاریف ارائه شده و سایر تعاریف پیش گفته، می‌توان چنین استنباط کرد که اگر "ایجاد محیط تصمیم‌گیری طراحی" را به عنوان چارچوب مبنایی برای مفهوم طراحی شهری عمل‌گرا تصور کنیم؛ این رویکرد تعاملی طراحی شهری در زمینه کلان و خرد است که زمینه تلفیق و یکپارچگی مفاهیم چندگانه و قلمروهای محتوایی مرتبط با کیفیت محیط کالبدی را فراهم می‌کند.

با جمع‌بندی از مباحث مطرح‌شده اندیشمندان مثل پانتر، کرمونا، هاب و شیروانی و دیگران در این مقاله، آنان همواره بر این موضوعات تأکید داشتند که: ۱. تأکید بر شفافیت سیاست‌های طراحی شهری، ۲. ضرورت جلب مشارکت عمومی در طراحی، ۳. ضرورت توجه به اهداف و ملاحظات طراحان در فرایند برنامه‌ریزی، ۴. طراحی شهری دانشی چندتخصصی است و فراگیر بودن آن در سطوح و مقیاس‌های مختلف طراحی، عملی‌ترین نوع از طراحی شهری را تشکیل می‌دهد. با توجه به عناصر یاد شده، پژوهشگران این مقاله تعریف بدیلی را به شرح زیر تدوین و ارائه کرده و آن را به عنوان مبنایی برای انجام سایر اقدامات بعدی قرار داده اند:

"عمل طراحی شهری در برنامه‌ریزی رویکردی است تعاملی در تمام سطوح و مقیاس‌های برنامه‌ریزی که در آن با تکیه بر اهداف، اصول و معیارهای طراحی شهری کیفیت‌گرا و ایجاد حلقه‌های مشارکتی مناسب و پیوندهای تعاملی حرفه‌ای، و با حمایت و پشتیبانی قانونی، فنی و سیاسی از آن زمینه هدایت و کنترل توسعه کیفی کالبدی شهر فراهم می‌شود."

براساس این تعریف از عمل طراحی شهری، اگر بخواهیم طراحی شهری کلان مقیاس را در شرایط فعلی کشور محقق کنیم.

گروه دارای موضوعات مشخص هستند [تفهیمی، ۱۳۸۹: ۸۳]. در تحقیق انجام شده توسط کرمونا، پانتر و چاپمن [Carmona, Punter & Chapman, 2002] درباره گونه‌شناسی پروژه‌های طراحی شهری، آنان به این نتیجه دست یافته‌اند که هرگونه پروژه و یا فعالیت طراحی شهری باید به این چهار حوزه از مسایل پاسخ گوید: ۱. چشم‌انداز راهبردی شهر، ۲. موضوعات عام طراحی شهر، ۳. موضوعات خاص و ویژه طراحی شهر، ۴. جزئیات طراحی. این موضوعات در بر گیرنده هر دو وجه طراحی شهری در ابعاد محتوایی و رویه‌ای بوده و از نظر توالی منطقی این موضوعات، تولیدات طراحی شهری را در مقیاس‌های متفاوت تعریف می‌کند.

در مروری که لنگ [Lang, 2005] به روی رویه‌های طراحی شهری انجام داده است به چهار گروه از پروژه‌های طراحی شهری با مقیاس‌های مختلف اشاره کرده است: طراحی شهری جامع، طراحی شهری یکپارچه، طراحی شهری مستمر، طراحی شهری تکمیلی. در این طبقه‌بندی در مقیاس کلان، طراحی شهری جامع موظف به تهیه و تدوین ابعاد محتوایی و رویه‌ای شده است [تفهیمی، ۱۳۸۹: ۸۵].

براساس پژوهش انجام شده توسط گلکار عمل طراحی شهری در سطح کلان یعنی در مقیاس کل شهر با برنامه‌ریزی راهبردی (بلندمدت)، در سطح میانی یعنی در مقیاس پاره شهر یا ناحیه با برنامه‌ریزی تاکتیکی (میان‌مدت) و در سطح خرد یعنی در مقیاس سایت یا فضای شهری با برنامه‌ریزی عملیاتی (کوتاه‌مدت) همراه است. برنامه‌ریزی و طراحی شهری در سطح کلان عمدتاً به مباحث و اهداف اثربخش و در سطح خرد به شیوه‌های کارا درصدد یافتن راه حل مسایل برمی‌آید [گلکار، ۱۳۸۷ الف: ۵۴].

به اعتقاد «بحرینی» از نظر مقیاس، طراحی شهری می‌تواند در پنج مقیاس منطقه شهری، شهر، بخشی از شهر، پروژه‌های بزرگ و پروژه‌های کوچک کاربرد داشته باشد.

لیکن مکانیزم طراحی، ابزار، زمان، نحوه اجرای طرح‌ها در مقیاس‌های مختلف متفاوت است. بزرگ‌ترین مقیاس که اعمال طراحی شهری در آن قابل تصور است، مقیاس مناطق شهری است. در چنین مقیاسی قاعدتاً اهداف بلندمدت دنبال می‌شود و ابزار اجرای طرح‌های کلان، سیاست‌ها، ضوابط کدها و استانداردها است [بحرینی، ۱۳۸۸: ۳۱].

از نظر ذکاوت، برنامه طراحی شهری با محتوا و مقیاس‌های مختلف در انطباق با اهداف طراحی مورد نیاز تدوین می‌شود. در مقیاس شهری، سطح کلان برنامه طراحی شهری دربرگیرنده گستره شهر و حیطه مناظر طبیعی پیرامون و دارای محتوای راهبردی است و در سطح خرد دربرگیرنده حوزه‌ای از توسعه و نیازمند تعیین تکلیف ساختار کالبدی برای آن است [ذکاوت، ۱۳۸۲: ۱۱].

با یک مقایسه اجمالی از نظرات فوق به این موضوع پی می‌بریم

جدول ۱. مقایسه محصولات طراحی شهری در مقیاس کلان نظام برنامه‌ریزی. اقتباس از: تفهیمی، ۱۳۸۹.

Table1 .A comparison of products of urban designing at the macro scale level of planning system. Source: Tafahomi, 2007.

نام نویسنده	کلان ترین سطح طراحی	مقیاس طراحی	پاسخگویی به
ال دوری [AL-Douri, 2006]	ملاحظات طراحی شهری	طرح‌های راهبردی و طرح‌های ساختاری	اهداف کلان، راهبردها
مدنی پور [Madanipour, 1996]	راهبردهای طراحی شهری	طرح‌های راهبردی	اهداف کلان، راهبردها
شیروانی [Shirvani, 1985]	اهداف طراحی شهری	طرح‌های راهبردی	اهداف کلان، راهبردها
کرمونا، پانترو و چاپمن [Carmona, Punter & Chapman, 2002]	چشم انداز راهبردی شهر	طرح‌های راهبردی	اهداف کلان، راهبردها
کرمونا، تنر، هیت و تیزدل [Heath, Taner, Carmona & Tiesdell, 2003]	سیاست‌های طراحی شهری	طرح‌های راهبردی	اهداف کلان، راهبردها، سیاست‌ها
لنگ [Lang, 2005]	طراحی شهری جامع	طرح جامع سه بعدی	اهداف کلان و فرم شهر
گلکار (۱۳۸۷ الف)	راهبردهای طراحی شهری	طرح جامع شهر، برنامه راهبردی طراحی شهری	اهداف کلان و اثر بخش
بحرینی (۱۳۸۸)	راهبردهای طراحی شهری	طرح راهبردی	اهداف بلند مدت
ذکاوت (۱۳۸۲)	راهبردهای طراحی شهری	طرح راهبردی	اهداف کلان

شهری باید به نقش و میزان تأثیرگذاری حرفه خود بر کیفیت محیط شهری آگاهی پیدا کنند (و پیگیر باشند) [پاکزاد، ۱۳۷۹: ۳۴]. یعنی طراحی شهری را به مثابه "رویکردی میان‌رشته‌ای (و تعاملی)" در طراحی، محیط ساخته شده شهری ببینیم. "با قبول تعریف وسیع‌تر، ما شباهت‌ها و تفاوت‌های میان شکل‌دهی به فضای شهری و مکان‌سازی شهری را به عنوان دو بخش از فرآیندی واحد شناخته و پذیرفته‌ایم" [مدنی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۴۳].

**• وجود سطوح و مقیاس‌های سلسله مراتبی طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری**

منابعی که از ابتدای سال ۲۰۰۰ وجود دارد، پوشش طراحی شهری را در سه مقیاس کلان: منطقه شهری و شهر، مقیاس میانی: حوزه‌های شهری و مقیاس خرد: گروهی از فضای شهری و یا تک فضا، برمی‌شمارند و ممکن است یکی از زمینه‌های ابهام و سردرگمی، ابهام در مقیاس باشد. اگر ما تعاریف طراحی شهر را در این مقیاس‌ها به طور همزمان تصور کنیم، این موضوع سبب ابهام می‌شود. به نظر مدنی‌پور، بخشی از این درگیری‌ها، در تقابل بین مدرنیست‌ها و پست‌مدرنیست‌ها انعکاس یافته است. مدرنیست‌ها به طراحی فضای انتزاعی و در عین حال منسجم توجه می‌کردند. واکنش پست‌مدرنیستی به چنین انتزاعی توجه به مکان‌های کوچک-مقیاس شهری و معنایشان بود، این واکنش‌های شدید علیه برخورد فراگیر طرح‌ریزی کلان مقیاس بوده است [مدنی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۴۱-۱۴۶]. بدین لحاظ از نظر وی، میزان تداخل و اشتراک میان این دو مقیاس طراحی شهری را می‌توان به شکل قابل قبولی در تعریفی واحد گنجانند. به این منظور رویکرد تعاملی طراحی شهری، باید روش‌ها و راه‌حل‌های ممکن و خلاقانه‌ای را برای یافتن بسترهای مناسب تصمیم‌گیری در سطوح مختلف طرح‌های توسعه شهری ارائه دهد و این طرح‌ها باید در مقیاس‌های مختلف تعریف و تبیین شود.

**• مشارکت‌پذیری عمومی در طراحی**

برنامه‌ریزی اساساً بر مبنای آنچه در عمل اتفاق می‌افتد و کیفیت‌های موجود مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌گیرد و با اتکا به همین نکته است که معضل نظام برنامه‌ریزی در

مؤلفه‌های اصلی بکارگیری این رویکرد را در پنج مؤلفه به شرح ذیل می‌توان بیان کرد به نحوی که حاوی نظرات همه نظریه‌پردازان و اهل حرفه و تجارب جهانی طراحی شهری در عمل باشد. اگرچه این مطالعه از تحلیل متقاعدکننده وارکی به عنوان پایه اصلی نظری استفاده کرده اما نوشته‌های شیروانی، هاب و پانترو مهم‌ترین تأثیر و کمک را در استخراج این مؤلفه‌ها داشته است.

**• حضور اهداف، اصول و معیارهای طراحی شهری در طیف مقیاس برنامه‌ریزی (تعامل برنامه‌ریزی و طراحی شهری)**

ضرورت دارد نظام طراحی شهری کاملاً با برنامه‌ریزی تلفیق شده و به طور یکپارچه [Punter, 1999: 195] بر تعامل برنامه‌ریزی و طراحی شهری تأکید کند. دخالت آگاهانه طراحی شهری و هدایت آن در جهت اهداف توسعه و عمران شهر به دخالت و نظارت در سطوح و موضوعات مختلف نیاز دارد. تعیین این سطوح و موضوعات مختلف و هماهنگی میان آنها مستلزم ایجاد پیوستگی و همبستگی میان برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. طراحی شهری دارای اهداف عام و خاص است که دست‌یابی به آنها باید در محوری قابل قبول قرار گیرد [پاکزاد، ۱۳۸۶]. به اعتقاد هاب اهداف و اصول طراحی شهری ابعاد گسترده‌ای از رفاه عمومی را نشان می‌دهد و تأکید بر توسعه و عملیاتی کردن اصول و مفاهیم طراحی شهری و بیان شفاف اهداف آن در برنامه‌ریزی یک ضرورت اساسی است [Habe, 1989]. میکائیل ساوت ورث هم تأکید داشت که اهداف طراحی شهری با ابتکارات برنامه‌ریزی تلفیق شود [Southworth, 1990].

**• پیوند تعاملی و حرفه‌ای طراحی شهری به مثابه رویکردی میان‌رشته‌ای (تعامل حرفه‌ای)**

از آنجایی که طراحی شهری بیشتر یک میان‌رشته است تا یک رشته مشخص، لذا مسئولیت ایجاد کیفیت محیط شهری را می‌توان به عنوان وظیفه‌ای مابین تخصص‌های مختلف طراحی محیط مصنوع بیان کرد [Carmona, Heath, Taner & Tiesdell, 2003]. با این باور طراحی شهری وظیفه میان تخصص‌های مختلف است. به عبارت دیگر نه فقط برنامه‌ریزان، بلکه حقوق‌دانان، مهندسان، مسئولان اداری و متخصصان اقتصادی و بالاخص مدیران

همه ابعاد آگاهی یابند و در تمامی مراحل این فرآیند مشارکت کنند.

• **حمایت و پشتیبانی از موضوعات طراحی شهری**

این دیدگاه از مجموعه‌ای منسجم از سیاست طراحی در فرآیند تهیه طرح‌های توسعه، تاراهنما، چارچوب‌ها، گزارش‌ها و احکام طراحی شهری حمایت می‌کند. کیفیت و سازگاری را برای ترجمه اهداف همگانی و مقبول طراحی شهری به سیاست و دستورالعمل‌ها در تمامی مقیاس‌ها از شهر تا فضاهای شهری متعدد فراهم می‌سازد. لذا ضرورت حمایت قانونی و سیاسی از حضور طراحی شهری در برنامه‌ریزی شهری از مهم‌ترین مؤلفه‌های کاربردی طراحی شهری به‌شمار می‌رود. شیروانی در مطالعات خودش به فرآیند بازبینی طراحی شهری، اثبات می‌کند که پشتیبانی سیاسی (البته به میزان متوسط) مهم است [Shirvani, 1981:17].

جهت هدایت و کنترل مطلوب توسعه، به حمایت اجتماعی گسترده در فرآیند برنامه‌ریزی نیازمند است. مشارکت شهروندی [Shirvani, 1981:193] درگیر کردن بیشتر عامه مردم در فرآیند طراحی شهری [Habe, 1989]، مبتنی بر دموکراسی بودن سیاست‌های طراحی [Punter, 1999: 195] و لحاظ علاقه عمومی در بازبینی طراحی از ضروریات کاربرد عملی طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه شهری است.

همچنین ضرورت دارد مدیریت‌های اجرایی، تصمیم‌گیرنده‌ها، سازنده‌ها و همه ذی‌نفعان از مفاهیم، واقعیت‌ها، ارزش‌ها و اهمیت ویژگی کیفی محیط بیرونی و همگانی در توسعه و رشد جامعه در

### نتیجه‌گیری

مفهوم رویکرد تعاملی طراحی شهری در برنامه‌ریزی از این تصور ناشی می‌شود که بدون توجه به اهداف و ابعاد کیفی در طرح‌های توسعه شهری، امکان تحقق‌پذیری و یا حداقل کارآمدی آنها متصور نیست. خصیصه بارز و معرف اصلی این رویکرد، حضور و ورود مباحث کیفی و طراحی شهری در تمامی مقیاس‌های طرح‌های توسعه شهری است. این همان چیزی است که گامی مهم و اساسی در تحول طرح‌های توسعه شهری به منظور ارتقای کیفیت محیط به‌شمار می‌رود. چنان‌که در قسمت‌های پیشین گفتیم اگر نظام مدیریت توسعه شهری بخواهد در نقش جدید خود ارتقای کیفیت و پایداری محیط را در دستور کار خود قرار دهد قطعاً تحولات اساسی در زمینه ساختار و تشکیلات را نیازمند خواهد بود. در سال‌های اخیر در کشور ما به دلیل ناکارآمدی طرح‌های جامع و تفصیلی در عمل و همچنین تجربیات اخیر در تهیه طرح جامع و تفصیلی شهرهای تهران و مشهد، رویکرد راهبردی به عنوان جایگزین طرح‌های سنتی جامع و تفصیلی مطرح شده است. همچنین در شرح خدمات طرح تفصیلی جدید این شهرها، موضوعات طراحی شهری به نحوی گنجانده شده است.<sup>۱۱</sup> اما بکارگیری تفکر راهبردی و رویکرد طراحی شهری، مستلزم تحول در روش‌ها، تشکیلات و قوانین موجود شهرسازی و آماده‌سازی بستر مناسب به این منظور است. در این راستا، مقاله حاضر با استفاده از مطالعات نظری انجام شده و تجربیات پیشین و همچنین نظرات محققین دیگر، درصدد امکان‌بکارگیری رویکرد مذکور برای غلبه بر نقایص و نارسایی‌های نظام توسعه شهری ایران خصوصاً در وجوه کیفی است. لذا بنا به ضرورت، با بررسی دیدگاه‌های موثر در تحول طراحی شهری و مقایسه گرایش‌ها و گونه‌های مختلف طراحی، به شناسایی مؤلفه‌های اصلی جهت اتخاذ رویکرد مناسب یکپارچه طراحی و برنامه‌ریزی شهری پرداخته شد. به این منظور با مرور بخشی از منابع طراحی شهری در این رابطه و تحلیل این نوشته‌ها، به یک تعریف از عمل طراحی شهری به عنوان "رویکرد تعاملی طراحی شهری" رسید. با توجه به نقش و ویژگی‌های رویکرد تعاملی طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی، پیشنهاد شد، این رویکرد، به عنوان رویکردی عام در تمام مراحل نظام برنامه‌ریزی و طراحی شهری حضور داشته باشد. در نظام برنامه‌ریزی تأثیر این رویکرد از مقیاس کلان تا خرد متفاوت است و هرچه به مقیاس محلی نزدیک‌تر می‌شویم، قدرت و تأثیر آن بیشتر می‌شود. محیط‌های با کیفیت شهری محصول نظام‌های جامع و چندسطحی از هدایت و کنترل توسعه و طراحی شهری است که در چارچوب تفکر برنامه‌ریزی، مبتنی بر خرد جمعی، مشارکت تعاملی و ارزش‌های جامعه، و در مقام اجرا، متکی به شیوه‌های کیفی و مدیریت مشارکتی واقعیت‌های پیچیده و ادغام وظایف و همکاری حرف و تخصص‌های مختلف در طراحی شهری است. همچنین به حضور طراحی شهری کیفیت‌گرا از همان ابتدای کار و فراگیر بودن آن در تمام سطوح شهری و مقیاس‌های مختلف در اسناد توسعه شهری تأکید دارد. این رویکرد معتقد است که کیفیت محصول متأثر از کیفیت فرآیند است. این مقاله نشان داد که تحقق این رویکرد، در پذیرش و رعایت اصول اساسی پنج مؤلفه است: "وجود سطوح و سلسله مراتب مقیاس طراحی"، حضور اهداف و معیارهای طراحی شهری"، "پشتیبانی از موضوعات طراحی شهری"، "پیوندها و تعاملات حرفه‌ای"، "مشارکت‌پذیری عمومی طراحی شهری" در فرآیند تهیه طرح‌های توسعه شهری. پذیرش و رعایت مؤلفه‌های فوق جهت کاربردی طراحی شهری و ایجاد نظام تعاملی برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در ایران که معتقد به حضور طراحی شهری در فرآیند برنامه‌ریزی و حمایت از آن به طور رسمی و قانونی بوده و زمینه مشارکت بخش عمومی و خصوصی را به طور شفاف تقبل کند اساس کارایی طرح‌های توسعه شهری در ایران است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Culling, W. / Jonathan Barnatt. ۲. Strategies. ۳. Policies. ۴. Brief. ۵. Consideration. ۶. Guidelines. ۷. Total urban design. ۸.
۹. All a piecel urban design. ۱۰. Plug – in urban design. ۱۱. با توجه به مسئولیت نگارنده در نظارت بر فرآیند تهیه طرح جامع و تفصیلی حوزه‌های برنامه‌ریزی کلانشهر مشهد، وی در تدوین شرح خدمات الگوی توسعه حوزه‌های برنامه‌ریزی و طرح تفصیلی با رویکرد طراحی شهری همکاری داشته است.



فهرست منابع

- بحرینی، سید حسین. ۱۳۸۸. طراحی شهری معاصر. تهران: دانشگاه تهران.
- پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۷۹. طراحی شهری در نظام توسعه. فصلنامه مدیریت شهری، (۳۰): ۳۰-۴۲.
- پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۶. مقالاتی در باب طراحی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- تفهیمی، رحمان. ۱۳۸۹. کاربرد ابعاد رویه‌ای طراحی شهری در تدوین چشم‌انداز. مجله آبادی، (۶۸).
- ذکاوت، کامران. ۱۳۷۸. جایگاه طراحی شهری در نظام برنامه‌ریزی توسعه شهری، مجله شهرنگار، (۱۱).
- ذکاوت، کامران. ۱۳۷۹. ضرورت حضور طراحی شهری در فرایند تهیه طرح جامع، مجله صفا، (۳۰): ۱۳-۴.
- عباس‌زادگان، مصطفی و رضوی، حامده. ۱۳۸۵. اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری، نشریه هنرهای زیبا، (۲۸): ۱۵-۲۲.
- گلکار، کوروش. ۱۳۸۷ الف. طراحی شهری سیاست‌گذار و طراحی شهری طرح‌ریز، مجله صفا، (۴۶): ۵۱-۶۶.
- گلکار، کوروش. ۱۳۸۷ ب. کندوکاوی در تعریف طراحی شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- گلکار، کوروش. ۱۳۷۹. مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، مجله صفا، (۳۲): ۳۸-۶۵.
- لنگ، جان. ۱۳۸۷. طراحی شهری: گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها. ت: سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. ۱۳۸۴. فضاهای عمومی و خصوصی. بابک محقق، فصلنامه ایرانشهر، (۳): ۲۶-۳۶.
- مهدوی، شهرزاد. ۱۳۸۱. معرفی یک سند شهری: به سوی نوزایی شهری. مجله هفت شهر، (۶ و ۷): ۱۱۹-۱۰۸.
- مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری. ۱۳۷۹. تدوین شیوه‌های مناسب تهیه طرح‌های شهری در ایران. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.

Reference List

- Abbaszadegan, M. & Razavi, H. (2006). Adopt a new approach to urban development projects. *Honar-ha-ye-ziba*, (28): 15-22.
- Al- Douri, F.A.S. (2006). *Impact of utilizing 3D digital urban model on the design content of urban design plans in us cities*. Unpublished PHD Thesis. Texas: Texas A&M university.
- Appleyard, D. (1982). *Three kind of urban design practices, in frebee(ed) education for urban design*. New York: Institute for urban design.
- Bahraini, S.H.(2009). *Contemporary urban design*. Tehran: University of Tehran.
- Carmona, M. (1997). *The design dimension of planning*. London: E & FN SPON.
- Carmona, M., punter, J. & Chapman, D. (2002). *From Design Policy to Design Quality: The treatment of design in community strategies, local development frameworks and action plans*. London: Thomas Telford Publishing.
- Carmona, M. Heat, T., Taner, O. C. & Tiesdell, S. (2003). *Public place—urban space. the Dimension of urban design*. Oxford: Architectural press.
- Golkar, K.(2000). Constructive components of urban design quality. *Soffeh Journal*, 11(32): 38-65.
- Golkar, K.(2008a). Transition policy, urban design and urban design Planner. *Soffeh Journal*, 17(46): 51-66.
- Golkar, K.(2008b). *Explore the definition of urban design*. Tehran: Center for Urban Studies and Iranian architecture.
- Habe, R. (1989). Public design control in American communities. *Town planning Review*, (60):195-219.
- Kreditor, A. (1990). Urban design; A victim of American Academic Tastes. *Center* (6): 64-71.
- Lang, J. (2005). *Urban design; A Typology of procedures and products*. Oxford: Architectural press.
- Lang, J.(1387). *Urban Design: typology of procedures and plans*. Translation to persian by Bahraini, S.H. Tehran: University of Tehran
- Madani-Pour, A.(2005). Public and private spaces. BabakMohaghghagh. *Iranshahr Journal*, 1(3): 26-36.
- Madanipour, A. (1996). *Design os urban space: an inquiry in to a socio—spatial process*. New York: john wiley,sons publisher.
- Mahdavi, Sh. (2002). Introduced a document the city: the urban renaissance. *Journal of Haft shahr*, 3(6 & 7):108-119.
- Pakzad, J.(2001). Urban design in system development. *Journal of Urban Management*,(30): 30-42.
- Pakzad, J.(2007). *Articles about urban design*. Tehran: ShahidBeheshti University.
- Punter, J. (1999). *Design guidelines in American cities: A review of design policies and guidance in five west coast cities*. Liverpool: Liverpool university press.
- Schrch T. (1999). Peconsidering urban design: Thoughts about its definition and status as a field or profession. *Journal of urban design*, 4 (1): 5-28.
- Punter, J. & Carmona, M. (1997). *The Design Dimension of Planning: Theory, Content and Best Practice for Design Policies*. London: Taylor & Francis.
- Shirvani, H. (1981). *Urban design review*. Chicago: Planners press.
- South worth, M. (1990). *Theory and practice of contemporary urban design: A look at American urban design plans*. Berkeley: Institute of urban and regional development, University of California at Berkeley.
- Tafahomi, R. (2007). *Urban design aspects in urban development plan, international Asian post graduated seminar*. Malaysia: University Malaza.
- Urban Planning Center. (2000). *Appropriate methods of urban development plans in Iran*. Tehran: Organization of Municipalities.
- Varkki, R. G. (1997). A procedural explanation for contemporary urban design. *Journal of urban design*, 2 (2): 143-162.
- Wolf, M.R. & Sheinn, R.D. (1970). *Urban design within the comprehensive planning process*. Seattle: U.S. Department of Housing and Urban Development, University of Washington.
- Zekavat, K. (1999). The role of urban design in urban development planning the city's. *Shahrnegar Journal*, (11).
- Zekavat, K. (2001). Necessary in the process of preparing the urban design master plan. *Soffeh Journal*, (30): 4-13.

## Interactive approach in scales and levels of urban design in urban planning process\*

Seyed Moslem Seyedalhosseini\*\*

Farah Habib\*\*\*

Hamid Majedi\*\*\*\*

### Abstract

The aim of this paper is to integrate processes of urban design and urban planning with ambition to increase urban environment qualities via comparing those differences of urban design tendencies and styles in strategic planning framework. Also this paper examines of urban design implementation in urban planning process by urban management system of Iran. Review and evaluation of urban planning process and assessment of development plans in past five decades in Iran confirms that these processes are not responding properly to the quality aspects of urban areas. The current situation stems from numerous reasons which could be found in rational nature or scheming process, survey, approval and implementation of plans. To confront these problems and in order to learn experiences and provide a new process which could encompass both city planning and design the traditions of city planning process has been studied. This approach would link both urban planning and design tendencies. In practice this approach can have positive outcomes at all levels of new strategic planning hierarchy and policy oriented urban design. In urban development plans, enhancing the urban environment qualities are significance challenge of planners and designers. Status quo of Iran show those plan have less been succeed in creating qualitative urban environment so in recent years experts and professional support qualitative approach to design and plan of urban environments in different scale including macro and micro scales plans. There is an essential need to analyze the application of urban design by management system in Iran critically, in terms of development plans process as distinct from other land use planning techniques. The research question intends to understand how urban design is utilized and operationalized in development plans process in Iran. The literature review published on urban design provides not only an acceptable model for further research [Wolff 1970, Shirvani 1981, Varkki 1977, Punter 1999, Carmona 1997] but also operational definitions of the components of this process. The study uncovered a wide of literature pertaining to urban design , the literature however, was in many respects confusing and contradictory in regards to the nature of implementing urban design by public officials. The literature review revealed many different approaches to define the tools for urban design .These tools yielding a wide variety of terminology and jargon used to describe implementation procedures. Methodology of this research is applied the qualitative method and especially content analysis technique to extract the essence of plans also their objective. This thesis makes use of this literature to examine this process on a recently completed development plans in Mashhad city in Iran. This thesis examines the tools of urban design utilized by planners in development plans. The thesis identifies the lack of agreement within academic writing defining the role, practice and function of urban design as a source of confusion for the study of professional practice. Findings of paper identify that there are four important factors to enhance quality of urban environment including: cooperating of urban design in whole scale of planning, cooperating of different professions in development plans, cooperating of stakeholders, clients, and laypeople in whole process of planning, and adaptability in planning and change management. Result of this paper show that interaction between planning and designing process is necessary and also significance factor to guaranty success of planning and designing program in country. Results of this paper could apply in urban planning and designing framework as a guideline to harmony urban development plans, additionally, it could illustrate environments of planning system of country to recognize other challenges and problems in that also this study, thus confirms Varkki's argument and advocates for increased attention of scholarly research to be focused on the procedure elements of urban design.

### Keywords

Evaluation, Environment quality, Interactive approach in macro and micro scale, Urban planning, Urban design

.....

\*. This article has been taken from the doctoral dissertation of one of the authors, Seyed Moslem Seyedalhosseini. The title of the dissertation is "Assessment of Development Plans in Iran: Application of Design-Based Planning as an Interactive Approach in Macro and Micro Scale Plans". It was presented in the Department of Art and Architecture, Science and Research Branch of Islamic Azad University of Tehran under the supervision of Dr. Farah Habib and Dr. Hamid Majedi in 2011.

\*\* Ph.D. in Urbanism. Department of Art and Architecture, Science and Research Branch ,Islamic Azad University, Tehran, Iran. smh\_arc@yahoo.com

\*\*\* Ph.D. in Urbanism. Associate professor Department of Art and Architecture, Science and Research Branch ,Islamic Azad University, Tehran, Iran. f\_habib@sbiau.ac.ir

\*\*\*\* Ph.D. in Urbanism and Architecture. Associate professor Department of Art and Architecture, Science and Research Branch ,Islamic Azad University, Tehran, Iran. majedi\_h@yahoo.com